

آزمایش بزرگ دعا!



no-atheism.net

no_atheism

islamway1434

asteira



بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه أجمعين

از جمله مشترکات تمامی ادیان خداپاور و مخصوصا ادیان ابراهیمی، اعتقاد به امر دعا است؛ ایجاد ارتباط با خداوند و درخواست از او برای رسیدن به یک مطلوب. در مقابل، ملحدین به دلیل عدم اعتقاد به وجود خداوند، به طبع هرگونه اجابت دعا را منکر می‌شوند و موارد پذیرش دعا را به شانس و یا روال عادی خود طبیعت منتسب می‌کنند. آنچه ما در این مقاله بدان می‌پردازیم، موضوعی است که ریچارد داوکینز، خدای ملحدین، آن را در کتابش، «پندار خدا»، تحت عنوان آزمایش بزرگ دعا بیان می‌کند.

شرح ماجرا:

گروهی از پژوهشگران - زیر نظر بنیاد تمپلتون که اتفاقا رویکردی دینی دارد - با مطالعه بر روی حدود ۱۸۰۰ بیمار در پی کشف اثربخشی دعا بودند. برخی از بیماران توسط گروهی دیگر - که آن بیماران را نمی‌شناختند و تنها نام آنها را به صورت ناقص می‌دانستند - دعا می‌شدند. آن بیماران از این موضوع اطلاعی نداشتند که توسط گروهی دیگر دعا می‌شوند. گروهی دیگر از بیماران نیز از جانب هیچ شخصی دعا نمی‌شدند. در انتها هیچ تفاوتی در نتیجه سلامت این دو گروه از بیماران مشاهده نشد. داوکینز از این موضوع نتیجه می‌گیرد که دعا هیچ اثری ندارد و مایل است از آن به این نتیجه خیره‌کننده برسد که در واقع، علت عدم تاثیر دعا این است که خدایی وجود ندارد که دعا را برآورده نماید. موضوع تاثیر دعا نه تنها از جانب داوکینز بلکه از جانب دیگر ملحدین نیز بیان شده است؛ برای مثال، دیوید استنجر نیز در کتابش به آن استدلال می‌کند.

پاسخ:

لازم به ذکر است که علاوه بر پژوهش فوق، پژوهش‌های دیگری نیز در مورد دعا انجام گرفته است که اثربخشی دعا را تا حد معناداری نشان داده است. بنا به گفته خود داوکینز، سرپرستی آزمایش بزرگ دعا با دکتر هربرت بنسون، متخصص قلب آمریکایی، بوده است که معتقد بود شواهد روزافزونی حاکی از کارآمدی ادعیه در درمان پزشکی وجود دارد. از این جهت در مقابل ملحدان، بسیاری از مؤمنان به این پژوهش‌ها نیز اشاره می‌کنند و از آن برای دفاع از مؤثر بودن دعا بهره می‌گیرند. با این حال، آزمایش‌ها در مورد تاثیر دعا چه می‌گویند و حق با کدام یک از طرفین می‌باشد؟

ما در این مقاله استدلال خواهیم کرد که هم ملحدان و هم برخی از مؤمنانی که به این نوع آزمایشات استناد می‌کنند در اشتباه هستند. بدیهی است که مؤمنانی که آموزه‌های دینی را به درستی فرا گرفته باشند در این موضوعات به خطا نخواهند رفت. از آنجایی که این آزمایش توسط نهادی با رویکرد مذهبی- مسیحی صورت پذیرفته است **ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اساس اشتباه بنیادین این محققان به علت ضعف و نقصان الاهیات مسیحی در نوع نگرش آنها به مقوله دعا بوده است.** ما در مقاله حاضر بر اساس نصوص اسلامی، به بررسی این آزمایش خواهیم پرداخت و نشان خواهیم داد که در پرتو الهیات قدرتمند اسلامی، به چه صورتی می‌بایست به دعا نگرست و در نتیجه، قضیه دعا چگونه حل خواهد شد.

اساس بحث ما بر این محور می‌چرخد که نمی‌توان برای بررسی دعا رویکردی آزمایشی داشت. چه چیزی را می‌توان مورد آزمایش قرار داد؟ برای پاسخ به دو مثال زیر توجه نمایید:

○ فرض کنید با انجام آزمایشاتی قصد داریم شتاب جاذبه‌ی زمین را به دست آوریم. برای این کار می‌توانیم یک جسم را از ارتفاعی از سطح زمین رها کرد و با محاسبه‌ی برخی از کمیت‌های فیزیکی، می‌توان مقدار این شتاب جاذبه را به دست آورد. برای رسیدن به نتیجه‌ی دقیق‌تر و بهتر، این آزمایش را دوباره بر روی همان جسم و بر روی اجسام دیگر با جرم‌های متفاوت و در ارتفاعات دیگری نیز انجام می‌دهیم. در هر حالت، مقدار به دست آمده را یادداشت می‌کنیم و در انتها، همه‌ی مقادیر به دست آمده را میانگین می‌گیریم. اینگونه شتاب جاذبه‌ی زمین را به دست می‌آوریم.^۱

اما فرض کنید قضیه به گونه‌ی دیگری بود. برای این، به مثال دوم که یک مثال خیالی است توجه فرمایید.
○ فرض کنید جاذبه‌ی زمین از موجود جاندار و صاحب اراده، اختیار، قدرت و علمی که در مرکز زمین زندگی می‌کرد به وجود می‌آمد و آن موجود، مقدار شتاب جاذبه‌ی زمین را در هر زمانی به دلخواه خود تعیین می‌کرد. با فرض اینکه ما از وجود آن موجود آگاهی داشته - و یا نداشته‌ایم - در پی کشف یک مقدار یا قاعده و یا یک الگو برای شتاب جاذبه بودیم. بدین جهت شروع به انجام آزمایشاتی می‌کردیم. از هر آزمایش اعداد مختلفی برای شتاب جاذبه به دست می‌آمد؛ چرا که آن موجود در هر لحظه مقداری را برای شتاب جاذبه تعیین می‌نمود. با وجود اعداد مختلف، سعی در کشف رابطه‌ی بین اعداد و یا قاعده‌ای که بر آن اعداد حاکم است می‌کردیم، ولی باز هیچ قاعده‌ای به دست نمی‌آمد و سعی ما بی‌نتیجه بود.

چه چیزی در دو مثال فوق با یکدیگر متفاوت است که باعث شد در مثال نخست ما با استفاده از آزمایشات بتوانیم در مورد شتاب جاذبه تحقیق نماییم، ولی در مثال دوم نتوانیم از طریق آزمایش به پاسخی برسیم؟

پاسخ واضح است. در مثال اول طبیعت و کره‌ی زمین از خود هیچ اراده و اختیاری نداشتند و نیروی جاذبه از یک طبیعت ثابت نشأت گرفته بود. طبیعت و فیزیک کره‌ی زمین و قانون‌های حاکم بر آن هیچ تغییری نمی‌کند و ما می‌توانیم بارها و بارها با خیال راحت آن را آزمایش کنیم، ولی در مثال دوم، نیروی جاذبه حاصل اعمال اختیار و قدرت یک موجود صاحب اراده و علم بود که در هر لحظه بنا بر دلایل و یا قاعده‌ای که بر ما پوشیده بود، مقادیر شتاب جاذبه را مطابق میل خود تغییر می‌داد. در حالت دوم اگر ما بخواهیم الگو یا قاعده‌ی حاکم بر شتاب جاذبه را کشف کنیم باید بر ذهن آن موجود، آگاهی و احاطه‌ی علمی داشته باشیم در غیر این صورت امکان تحقیق در مورد مقادیر شتاب جاذبه و یا کشف قاعده‌ی حاکم بر آن وجود نخواهد داشت.

پس از طرح این دو مثال باز می‌گردیم به پرسش آغازین: چه چیزی را می‌توان آزمایش کرد؟ در پاسخ می‌گوییم تنها آن چیزهایی را می‌توان آزمایش کرد که یک قاعده و یا یک قانون ثابت بر آن حکم فرما باشد و نیز فیزیک آن تغییر نکند. هیچ‌گاه نمی‌توان یک موجود صاحب اراده، قدرت و علم را آزمایش کرد، چون بسته به شرایط مختلف می‌تواند رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهد. با این توضیحات آزمایش دعا به دلایل زیر نامعتبر است:

۱- آزمایش دعا بدین خاطر از بنیان اشتباه است که ما در حقیقت در حال آزمایش از نحوه‌ی رفتار خداوند به عنوان موجودی صاحب علم و اراده هستیم که آیا خداوند دعا را می‌پذیرد و یا خیر. در حقیقت ما می‌خواهیم رفتار یک موجود صاحب اراده و علم را آزمایش کنیم. این موجود می‌تواند در شرایط مختلف رفتارهای مختلفی از خود نشان دهد. رفتارهایی که علت آن برای ما مشخص نیست چراکه نسبت به او احاطه‌ی علمی نداریم. ضرورت درک این موضوع هنگامی برجسته‌تر می‌شود که باید اقرار کنیم نه تنها

۱. مقدار شتاب جاذبه‌ی زمین در نزدیکی سطح زمین برای تمامی اجسام تقریباً ۱۰ متر بر مجذور ثانیه می‌باشد.

ما نسبت به او احاطه‌ی علمی نداریم، بلکه برعکس او از هر جهت ما را زیر نظر دارد و بر ما احاطه‌ی کامل دارد.

بلا تشبیه - و لله مثل الاعلی - مثل این می‌ماند که یک مورچه بخواهد در مورد اهداف و برنامه‌ریزی‌های ما انسان‌ها آگاهی داشته باشد، در حالی که قدرت مغز او در مقابل قدرت مغز انسان‌ها شاید در حد یک شوخی باشد. نه تنها آن مورچه بر ما احاطه‌ی علمی ندارد، بلکه انسان بر او احاطه‌ی کامل دارد. پس مغز مورچه چگونه می‌تواند بفهمد که ما به چه می‌اندیشیم و در پشت این رفتارهای ما چه چیزی نهفته است؟

۲- همانگونه که بیان شد تنها در مورد چیزهایی می‌توان از طریق آزمایش تحقیق و بررسی انجام داد که بر یک قاعده و قانون ثابتی استوار باشند و به صورت یکسان و همیشگی در طبیعت رفتار کنند. اشتباه اصلی داوکیدز و دیگر ملحدین در این است که متصور هستند که دعا نیز اینگونه است. آنها به غلط فکر کرده‌اند که بر خدا واجب است که دعا را بپذیرد و اینکه دعا مانند یک مکانیسم ثابت و موجود در طبیعت است که دقیقاً مثل قانون جاذبه می‌توان آن را آزمایش کرد. از طرف دیگر، الاهیات ناقص مسیحی نیز توانسته است به آزمایشگران مؤمن القا نماید که دعا یک رفتار ثابت در طبیعت و یا مکانیسم نهادینه‌شده در طبیعت نیست. آنها خداوند را مانند یک ربات تصور کرده‌اند که به پیام‌های صوتی حساس است و پس از دریافت پیام، الزاماً آن را اجرا می‌کند؛ درحالی که اینگونه نیست، بلکه پذیرش دعا از جانب خدای صاحب اراده و علم و قدرت صورت می‌پذیرد که می‌تواند آن را بپذیرد و یا نپذیرد و به گونه‌های متفاوتی عمل نماید. حتی رفتار خداوند با یک انسان نیز در زمان‌های مختلف، متفاوت خواهد بود.

۳- همانطور که قبلاً بیان کردیم رفتار خداوند در پذیرش دعا می‌تواند تغییر نماید. در حدیثی از حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) بیان شده است که فرمودند:

بِهِ قَالَ اللَّهُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي ۱

«خداوند می‌فرماید: من با بنده‌ام مطابق گمانی که نسبت به من دارد رفتار می‌کنم.»

در حدیثی دیگر می‌فرماید:

بِهِ ادْعُوا اللَّهَ وَأَنْتُمْ مُوقِنُونَ بِالْإِجَابَةِ ۲

«خدا را بخوانید درحالی که به اجابت دعای خود یقین دارید.»

همچنین حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و سلم) در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

بِهِ مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْرٌ، وَلَا قِطِيعَةٌ رَحِمٌ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تَعْجَلَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَإِمَّا أَنْ

يُدْخِرُهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا قَالُوا: إِذَا نَكَّرَ ۳

۱. البخاری (۷۵۰۵)

۲. الترمذی (۳۴۷۹) و آلبانی آن را حسن می‌داند.

۳. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۷، ص ۲۱۳ ح ۱۱۱۳۳؛ الأدب المفرد للبخاری، ص ۲۴۸ ح ۷۱۰؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۵۶۶ ح ۲۵۷۳ :- «حدیث حسن صحیح.»

«بر روی زمین هیچ مسلمانی نیست که دعایی به پیشگاه خدا نماید، مگر اینکه خداوند آن را برایش به یکی از این سه روش اجابت می‌کند: یا دعایش را [عیناً] محقق می‌سازد، یا آن را برای آخرتش ذخیره می‌کند و یا در بدل آن بدی را از وی دور می‌گرداند مادامی که آنچه در دعا خواسته است، گناه و قطع صله‌ی رحم نباشد. گفتند: ازین پس زیاد دعا می‌کنیم.»

تنها توجه و دقت در همین احادیث می‌تواند بسیاری از شبهات مربوط به دعا را دفع نماید.

بسته به نگرش انسان نسبت به خداوند و خیر بودن دعا و عدم و ایجاد مقدمات پذیرش دعا توسط انسان در پذیرش دعای او تأثیر می‌گذارد و پذیرش دعا مثل یک قانون طبیعت، امری ثابت نیست پس چگونه می‌توان دعا را آزمایش کرد؟

همچنین طبق احادیث نخست، خداوند در هنگام پاسخ به دعا، همانگونه که نسبت به او می‌اندیشیم با ما رفتار می‌نماید. اگر به هنگام دعا یقین به اجابت داشته باشیم، این به پذیرش دعا خیلی نزدیک‌تر است اما اگر شخص دعاکننده به پذیرش دعایش شک داشته باشد، احتمال نپذیرفتن آن قوت می‌گیرد. از این جهت است که خداوند می‌فرماید: «من با بنده‌ام مطابق گمانی که نسبت به من دارد رفتار می‌کنم.»

با این توضیحات مشخص می‌شود که پذیرش دعا، بر خلاف قانون و مکانیسم‌های طبیعی، ثابت نیست بلکه از جانب موجودی حکیم و علیم انجام می‌پذیرد. پس چگونه می‌توان آن را آزمایش کرد؟

۴- هنگامی که از آزمایش دعا سخن می‌گوییم یعنی اینکه ما نسبت به پذیرش دعا در شک هستیم و می‌خواهیم آن را بیازماییم. در حالی که طبق حدیث **بِهِ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي بِي** خداوند مطابق تصویری که ما نسبت به او داریم با ما برخورد می‌نماید. پس اگر بخواهیم از روی شک، دعا را آزمایش کنیم، خداوند نیز مطابق همین تصور ما با ما برخورد می‌نماید و دعا را اجابت نمی‌کند.

۵- برای پذیرش دعا شروطی لازم است که اثبات وجود آن شروط در دعاکنندگان حاضر در آزمایش بزرگ دعا ممکن نیست؛ از جمله اینکه دعا صرفاً بیان کلمات نیست. دعا باید با حضور قلب و روح انسان درگیر درخواستی که از خداوند دارد باشد. اینکه شخص بر زبان دعا بگوید ولی قلبش با آنچه که می‌گوید همراه نباشد، مشخص است که این دعا به آسمان نمی‌رود و پذیرفته نخواهد شد. از این جهت است که حضرت رسول الله (صلی الله علیه وسلم) می‌فرمایند:

بِعَوَاعِلْمُوا أَنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ مَنْ قَلْبٍ غَافِلٍ لِأَوْجِهٍ^۱

«و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بی‌خبر نمی‌پذیرد.»

دعاکننده باید آن اضطرار و درماندگی را در قلب خود احساس نماید.

خداوند متعال در مورد دعاکننده‌ای که دعایش مستجاب می‌شود کلمه‌ی مضطر (=درمانده) را به کار می‌برد و می‌فرماید:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ (نمل/۶۲)

«یا [کیست] آن کس که درمانده را چون وی را بخواند اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌گرداند؟»

در تفسیر امام قرطبی (رحمه الله) از قول سدی آمده است که در شرح کلمه‌ی «مضطر» گفته است که مضطر کسی است که هیچ توان و قدرتی برایش نیست. و ذوالنون می‌گوید مضطر کسی است که از هرچه غیر از خدا قطع امید کرده باشد.

تصور نمایید شخصی فرزندش دچار بیماری شده است. از طرفی محبت به فرزند و از طرف دیگر، بیماری فرزند، آرامش را از پدر و مادر می‌گیرد و از هر طرف قطع امید می‌نماید. می‌توان تصور کرد که آن شخص با چه احساس و تعهدی روی به سوی خداوند خواهد آورد و خالصانه و صادقانه از او شفای فرزندش را خواهد خواست. اما در آزمایش بزرگ دعا، دعاکنندگان که از شهرهای دیگری نیز بودند، حتی اسامی بیماران را به‌خوبی نمی‌دانستند و هیچ شناختی از بیماران نداشتند و در نتیجه، هیچ تعلق خاطری نسبت به آنها نداشتند. به نظر شما دعا‌های آنان با چه مقدار از سوز دل و یا با چه تعهدی و یا با چه گریه‌ای بیان می‌شده است؟ آیا واقعا آن دعاگویان را می‌توان مضطر نامید؟ آیا اینگونه دعایی می‌تواند به اجابت نزدیک باشد؟

دعای مستجاب دعایی خواهد بود که به همراه سوزی در دل و اخلاص در بیان و احساس عجز تمام به درگاه آن متعال بزرگ‌مرتبه رفته باشد، نه آن دعایی که از سر آزمایش و تحقیق با عباراتی از پیش‌تعیین‌شده از جانب افرادی که هیچ شناختی و در نتیجه هیچ تعلق خاطری نسبت به بیماران نداشته‌اند، بیان شده باشد. منظور از عبارات از پیش‌تعیین‌شده آن است که در آزمایش مذکور از تمام دعاکنندگان خواسته شده بود که جمله‌ی «جراحی موفقیت‌آمیز توأم با بهبود سریع و بازیافت سلامتی بدون دشواری» را در دعا‌هایشان بگنجانند. گویا در حال خواندن انشاء هستند. خود القای همین جمله به دعاکنندگان این مسئله را می‌رساند که دعاکنندگان تعلق خاطر و دغدغه‌ای نسبت به بیماران نداشته‌اند. آیا یک شخص مضطر برای درخواست خالصانه و صادقانه از خدا به آموزش جملات دعا نیازی دارد؟ برای مثال یک پدر که برای شفای فرزندش عاجزانه دعا می‌کند، ساده‌ترین و جامع‌ترین کلمات را با اشکی صادقانه و خالصانه‌ترین حالت در پیشگاه خداوند بیان خواهد کرد و همین برای خداوند کافی است. به راستی آیا آن پدر و یا هر انسان درمانده‌ای که دغدغه‌ی بهبود سلامتی یک بیمار را داشته باشد، به آموزش دعا نیازی دارد؟

خواننده محترم آیا به طنز بودن این آزمایش پی برده‌اید؟